

از این بیداد گر خون به جوش آید عجب مدار

اینجا امام زاده عبدالله است. گورستانی که شماری از بزرگان ایران را در دل خود جای داده است. خود امام زاده آنقدر شهرت ندارد که گورستانش دارد. یک جهان شور و نشاط و دانش، امید و آرزوی برباد رفته در این گوشه کوچک و پنهان تهران بزرگ خفته است. سرگذشت‌ها بر پیشانی سنگ‌ها حک نشده، اما در دل تاریخ ایران حفظ شده. برایتان خواهیم نوشت. آسیاب به نوبت:

دکتر بهرامی دبیر اول حزب توده ایران - در داخل کشور- در سالهای پس از تیراندازی به شاه (۱۵ بهمن ۱۳۲۷) تا کودتای ۲۸ مرداد بود. با جان بدر بردن شاه از تروری که عامل اجرای آن ناصر فخررائی بود، دکتر اقبال با استفاده از فرصتی که شاید خود در بوجود آوردن آن دست داشتند، لایحه غیر قانونی اعلام شدن حزب توده ایران را به مجلس برد و از تصویب نیز گذراند. جستجوی خانه به خانه رهبران وقت حزب توده ایران آغاز شد. حزبی که در یک دوره فراکسیون توده ای در مجلس داشت و در زمانی کوتاه خود در کابینه ائتلافی حضور داشته و سه وزیر داشت، حالا تحت پیگرد حکومتی قرار گرفته بود که گام‌های بلند بسوی امریکا را بر میداشت گرچه هنوز کهنه کاران انگلیسی راهبرش بودند.

رهبری حزب را به دو گروه تقسیم کردند و خروج یکی از دو بخش رهبری که خطر دستگیری آنها می‌رفت از کشور خارج شدند. از جمله دکتر رضا رادمنش دبیرکل حزب توده ایران. به تصویب رهبری حزب، در غیاب رضا رادمنش، اختیارات دبیراولی به دکتر بهرامی داده شد و او تا کودتای ۲۸ مرداد دبیراول حزب در داخل کشور بود.

در آستانه یورش به حزب توده ایران، در جمهوری اسلامی نیز، همین طرح در دستور رهبری حزب قرار گرفت و رهبری به دو گروه تقسیم شد تا بخشی که خطر فوری دستگیری آن‌ها مطرح بود از کشور خارج شوند و بخش دیگری رهبری حزب را در داخل کشور بدست گیرند. در این تقسیم بندی نیز قرار بود زنده یاد کیانوری از ایران خارج شود و در داخل کشور اختیارات وی به علی عمویی واگذار شود. زنده یاد جوانشیر نیز قرار بود از کشور خارج شده و تشکیلات حزب در تهران به رحمان هاتفی و در سراسر کشور برعهده عباس حجری واگذار شود. کمی تعلل و بازی و مانور زیرکانه ای که حکومت با بیانیه ۸ ماده ای آیت الله خمینی کرد، اجرای این طرح به تعویق افتاد و زمانی که قرار شد فوراً به اجرا گذاشته شده و ۱۷ نفر اول بسرعت از کشور خارج شوند، دیگر زمان در اختیار حزب نبود و یورش آغاز شد!

دکتر بهرامی را پس از کودتای ۲۸ مرداد دستگیر کردند و زیر شکنجه فرماندار نظامی کودتا بردند. او را زیر شکنجه وادار به این اعتراف کردند که "حزب اشتباه کرده و وابسته به شوروی است". درست و مو به مو شبیه همان اعترافی که در جمهوری اسلامی و به تقلید از فرمانداری نظامی کودتای ۲۸ مرداد از زنده یاد کیانوری و بعدها از هر کس که دستگیر کردند و به اوین بردند گرفتند. چه ملی و چه دگراندیش و چه مذهبی!

رژیم کودتا، پس از تثبیت حاکمیت خود، دکتر بهرامی را که در زندان و زیر فشار شکنجه دچار بیماری قلبی شده بود آزاد کرد تا مرگ او در زندان به حساب کودتاجی‌ها و شکنجه گران گذاشته نشود. او علاوه بر شهرتی که بعنوان دبیراول حزب در ایران داشت، بعنوان یکی از مشهورترین پزشکان دوران خود، شهرت بین المللی نیز داشت و مرگ او در زندان برای دربار کودتاگر با هزینه ای بین المللی همراه می‌شد.

دکتر بهرامی را شکسته و درهم کوبیده از زندان به خانه منتقل کردند و سرنوشت او اندکی بعد در خانه همان شد که اگر در زندان بود می شد. فاصله آزادی او از زندان و مرگ در خانه بسیار کوتاه بود.

او در زیر این سنگ و در این گورستان خفته است. با همه آرزوهای بلند و انسانی اش. آخرین شاه ایران به یاری امام زاده عبدالله و گورستانی که می بینید از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا بهمن ۱۳۵۷ توانست دیکتاتوری دربار را بر سرنوشت مملکت حاکم کند.

راه توده ۱۲۱ ۰۵،۰۲،۰۷،۲۰۰۷